

تفسیر احمد

سورہ الانفتار



Ketabton.com

۱۳۹۴

ترجمہ و تفسیر سورہ الانفتار
تتبع و نگارش: الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
مہتمم و دیزاین: الحاج سلیم عابد « پیمان »

سوره الانفطار

سوره الانفطار

این سوره در « مکه » نازل شده و دارای 19 آیه است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ ﴿١﴾ وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَشَرَتْ ﴿٢﴾ وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ ﴿٣﴾ وَإِذَا
 الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ ﴿٤﴾ عَلِمْتَ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ ﴿٥﴾ يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ
 الْكَرِيمِ ﴿٦﴾ الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ ﴿٧﴾ فِي أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ ﴿٨﴾ كَلَّا بَلْ
 تُكَذِّبُونَ بِالَّذِينَ ﴿٩﴾ وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ ﴿١٠﴾ كِرَامًا كَاتِبِينَ ﴿١١﴾ يَعْلَمُونَ مَّا
 تَفْعَلُونَ ﴿١٢﴾ إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ﴿١٣﴾ وَإِنَّ الْفَجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ ﴿١٤﴾ يَصَلُّونَهَا يَوْمَ
 الدِّينِ ﴿١٥﴾ وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ ﴿١٦﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ ﴿١٧﴾ ثُمَّ مَّا أَدْرَاكَ مَا
 يَوْمَ الدِّينِ ﴿١٨﴾ يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ ﴿١٩﴾

معلومات موجز:

نام این سوره « الانفطار » (درز بر داشتن) است که این نام از اولین آیه این سوره گرفته شده است.

سوره «انفطار» مکی است، دارای (1) رکوع، (19) نوزده آیت، (70) هفتاد کلمه، (334) سه صدوسی و چهارحرف و (154) یکصد و پنجاه و چهار نقطه است. در اولین آیات این سوره در باره حوادث بزرگ روز قیامت چون در هم شکستن آسمان، پراکنده شدن ستاره ها، شکافتن قبر ها و بر خاستن مرده ها از گور ها بحث بعمل آمده است. سپس نمودار شدن عملکرد های انسانرا به نمایش می گذارد و متصل آن انسان فریب خورده ای که پروردگارش را فراموش کرده و از ملاقات باوی سبحانه و تعالی انکار می کند، با صیغه حیرت آوری مورد خطاب قرار داده از او می پرسد: چه چیزی ترا نسبت به آفریدگار مهربانت فریفته؟ همانکه ترا متوازن و متعادل. در شکل و صورت زیبا آفرید؟ چگونه گمان می کند که پروردگارش روز باز پرسى تعیین نکرده، به عملکرد هایش نرسد و پاداش را ندهد؟ در پایان جایگاه نیکو کاران و انجام بد کاران و چگونگی روز مکافات و مجازات را ترسیم میکند.

اسباب نزول آیه (6):

ابن ابوحاتم از عکرمه در مورد آیه (6) سوره الانفطار می نویسد که: آیه «یا ایها الإنسان ما غرک بر ربک الکریم» در باره ابی بن خلف نازل شده است.

أبی بن خلف بن وهب بن حذافة بن جمح، اصلا از قبیله قریش، شاخه بنی جمح و یکی از دشمنان سرسخت پیامبر صلی الله علیه وسلم بود.

أبی بن خلف و برادرش امیه، از اشراف قریش در جاهلیت بودند که در دشمنی با پیامبر

سوره الانفطار

صلی الله علیه وسلم و مسلمانان، بر دیگران سبقت می جستند. مؤرخین می نویسند: آنچه در زندگانی اُبی دیده می‌شود، سراسر تکبر و سرکشی است **مورخین می افزایند:** وقتی امیه یکی از بردگانش را شکنجه می‌کرد، اُبی می‌گفت: عذابش را افزون کن.

کینه ورزی و دشمنی اُبی با رسول الله صلی الله علیه وسلم از ابتدای بعثت آشکار است. وی و گروهی از سران شرک به دیدار ابوطالب شتافته، و خواستار قطع دعوت رسول الله صلی الله علیه وسلم به توحید شدند.

دشمنی اُبی خلف با رسول الله صلی الله علیه وسلم به حدی بود، هر گاه که رسول الله را در مکه میدید میگفت: «اسبم را نیک پرورش می‌دهم تا سوار بر آن تو را بکشم» او یکی از جمله سران مشرکین بود که، در جلسه دار الندوه شرکت کرد، و کمر به قتل پیامبر صلی الله علیه وسلم بست.

مؤرخین می افزایند: اُبی، جان و مالش را بر سر دشمنی با رسول الله نهاد و از جمله اطعام کنندگان سپاه شرک در غزوه بدر بود او که بر کشتن پیامبر اسلام قسم یاد کرده بود، در جنگ احد، فریاد برآورد: ای محمد! تو زنده نمانم و به گفتن همین کلمه بر پیامبر صلی الله علیه وسلم حمله اور شد، که در نهایت بقتل رسید.

وجه تسمیه:

این سوره بدان جهت «**انفطار**» نامیده شد که با این فرموده حق تعالی: «**إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ**» آغاز و افتتاح شده است.

سوره انفطار، اولاً از انقلاب کونی سخن می‌گوید که در روز قیامت پدید خواهد آمد سپس انسان ناسپاس در آن مورد هشدار و سرزنش قرار می‌گیرد و در نهایت هم علت انکار منکران بیان می‌شود.

فضیلت سوره انفطار:

نسائی از جابر رضی الله عنه روایت کرده است که فرمود: که حضرت معاذ ملامام مردم بود و نماز را طولانی کرد. در این اثنا یکی از افرادی که به او اقتدا کرده بود، نماز خود را از جماعت وی قطع، و به گوشه مسجد رفت، به تنهایی ادای نماز پرداخت و بعد از ختم نماز بطوری انفرادی از مسجد بیرون شد. چون این خبر به معاذ رسید، گفت: فلان شخصی است منافق. پس قضیه را به رسول الله صلی الله علیه وسلم در میان گذاشتند.

پیامبر صلی الله علیه وسلم آن شخص را خواست و علت اینکه چرا نمازش را در پشت سر امامت حضرت معاذ رها کرده است؟ او گفت: یا رسول الله! من آمدم که پشت سر وی نماز بگزارم اما وی نماز را بر من طولانی کرد، بناچار بازگشته در گوشه مسجد نماز گزاردم و رفتم که به شترم علف بدهم. پس رسول الله صلی الله علیه وسلم به حضرت معاذ فرمودند: «أفتان أنت یا معاذ؟ این کنت عن سبِّ اسمِ رَبِّكَ الْأَعْلَى وَ وَالشَّمْسِ

وَضَحَاهَا وَ إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ: ای معاذ! آیا تو فتنه‌گری؟ کجا بودی از خواندن سوره های: سَبِّ اسمِ رَبِّكَ الْأَعْلَى وَ وَالضُّحَى وَ إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ وَ وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى» یعنی: چرا از این سوره‌های متوسط بر آنان نمی‌خوانی که در کار دین به ملال نیفتند و از نماز

سوره الانفطار

دلتنگ نشوند زیرا اگر چنین شود، از دین دلتنگ گشته و به فتنه در افتاده‌اند.

ترجمه مختصر:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

«إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ» (1) (ووقتیکه آسمان بشکافتد).

«وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ» (2) «ووقتیکه که ستارگان فروریزند».

«وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ» (3) «ووقتی که بحر ها به جوش آمد روان گردند».

«وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ» (4) «ووقتی که قبرها شکافته شوند».

«عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ» (5) «هر کس بداند که چه چیز پیش فرستاده

و موخر گذشته».

«يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ» (6) «ای انسان! چه چیزی تو را (نسبت) به

پروردگار بزرگوارت فریفت؟ و مغرور کرد».

«الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ» (7) «خدایی که تو را آفرید آن‌گاه استوارت ساخت سپس

(آفرینش تو را) معتدل گرداند».

«فِي أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ» (8) «و آن‌گاه به هر شکلی که خواست تو را

ترکیب کرد».

«كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالذِّينِ» (9) «نه چنین نیست بلکه دین را تکذیب می کنید».

«وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ» (10) (در حالیکه بی‌گمان نگهبانانی بر شما گمارده

شده‌اند».

«كِرَامًا كَاتِبِينَ» (11) «نویسندگانی بزرگواری».

«يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ» (12) (که هر چه می کنید می دانند).

«إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ» (13) (بی گمان که نیکو کاران در نعمت های برین

(دائمی) باشند).

«وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ» (14) (و بد کاران در انبار آتشین).

«يَصَلُّونَهَا يَوْمَ الدِّينِ» (15) (در روز جزا به آن درمی آیند).

«وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ» (16) (و هرگز غائب شونده ء از آن نباشند)

«وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ» (17) («و تو چه می دانی که روز جزا چیست؟».

«ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ» (18) (باز تو چه می دانی که روز جزا چیست؟) .

«يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ» (19) (روزی که هیچ کسی

برای دیگران نمی تواند کاری بکند و در آن روز فرمان، فرمان خدا است».

آشنایی با سوره:

محتوی اساسی این سوره بر محور مسائل مربوط به روز قیامت دور می زند، و در

سوره الانفطار

پنج موضوع خلاصه می گردد: در این رابطه اشاره شده:

- 1- گوشه ای از سختیهای آن روز بزرگ.
- 2- سرنوشت نیکان و بدان در قیامت.
- 3- توجه انسان به نعمتهای خداوند که سراسر وجود او را فراگرفته است.
- 4- اشاره به فرشتگانی که مأمور ثبت اعمال انسانها هستند.
- 5- حوادث عظیمی که در پایان جهان و در آستانه قیامت رخ می دهد.

تفسیر سوره:

«إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ» (1) (و وقتی که آسمان بشکافتد).

«وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ» (2) «ووقتی که ستارگان فروریزند».

یگی از نشانه های پایان جهان و بر پا شدن قیامت، دگرگون شدن نظام کواکب و شکافتن و درز، بر داشتن آسمانی است که در آیات کثیری از قرآن عظیم الشان به این موضوع، اشاره شده و تعبیرات مختلفی درباره آن دیده می شود.

گاه این تعبیرات به لفظ «انشقاق» بعمل آمده: «إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ»: (در آن هنگام که

آسمان (کرات آسمانی) شکافته شود». (سوره انشقاق - 1)

نظیر همین معنا در آیه 16 حاقه نیز آمده است: «وَأَنشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ»: (و

آسمان ها از هم شکافته می شوند و سست می گردند، فرو می ریزند»

در آیه 25 سوره فرقان، همین معنا با مختصر تفاوتی منعکس است: «وَيَوْمَ تَشَقَّقُ السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ»: (به خاطر بیاور روزی را که آسمان با ابرها از هم شکافته می شود!)

منظور از «سما» در این آیات کرات آسمانی است که در پایان جهان بر اثر انفجارهای

پی درپی از هم شکافته می شود، ولی در این که منظور از شکافته شدن با «ابرها»

چیست؟ این احتمال وجود دارد که منظور همراه بودن متلاشی شدن آسمان ها با پیدایش

ابرهای سنگینی است که از گرد و غبار آنها حاصل می شود.

«وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ» (3) «ووقتی که بحر ها به جوش آمد روان گردند».

«وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ» (4) «ووقتی که قبرها شکافته شوند» (زمانیکه قبرها شکافته

شود و مرده ها از قبرهای شان بیرون آیند، هر شخص کردار گذشته و آینده خود را خواهد

دانست، هر کی در هر جا دفن شده بود از همانجا بر می خیزد و بسوی محشر در حرکت

می افتد. مقتضای این وقایع، اینست که انسان از خواب غفلت بیدار شود.

«عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ» (5) «هر کس بداند که چه چیز پیش فرستاده

و موخر گذشته».

در آنروز عملکردهای انسان بدون کم و کاست، بطور دقیق و با ارائه زمان و مکان

و چگونگی هر عملی در جلوش به نمایش گذاشته می .

«يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّبَكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ» (6) «ای انسان! چه چیزی تو را (نسبت) به

پروردگار بزرگوارت فریفت یعنی مغرور گشتاند؟»

سوره الانفطار

در این آیه متبرکه:

بعد از اینکه بحث درباره معاد بعمل آمد، مبحث دیگری را پروردگار با عظمت ما با بسیار شکل عالی مطرح، و می‌خواهد انسان را از خواب غفلت بیدار ساخته و توجه و اهتمام او را به مسوولیت های او در برابر خداوند جلب مینماید. مفسرین می نویسند در این آیه توجه انسان، به مسوولیت هایش در برابر خداوند، نخست او را مخاطب ساخته، و با يك استفهام تویخی شدید و در عین حال توأم بانوعی لطف و محبت می فرماید:

«ای انسان! چه چیز تو را در برابر پروردگار کریمت مغرور ساخته؟» غرور یا خودفریفتگی به این معنا است که انسان به آنچه دارد از کمالات و امکانات بسنده کند و خویش را کامل و رسیده بداند و از حرکت برای یافتن و دانستن و بکار بستن باز ماند و دچار سکون شود.

غرور به معنی فریفتگی به داشته ها و جذابیت های غیر حقیقی و علائق دنیوی است که باعث می شود انسان از یاد خدا غافل شود و معنویت و سرمایه های حقیقی سعادت خود را فراموش نماید و در نتیجه آن به انواع امراض اخلاقی و روانی مانند عجب، تکبر، خودخواهی و مانند آن مبتلا گردد.

این کلمه به طور وسیعی در کلمات عرب مخصوصا در آیات قرآن مجید و روایات اسلامی به کار رفته است.

«راغب» در کتاب «مفردات» کلمه «غرور» (به فتح غین که معنی وصفی دارد) را به معنی هر چیزی که انسان را می فریبد و در غفلت فرومی برد خواه مال و مقام باشد یا شهوت و شیطان تفسیر می کند.

در «صحاح اللغة» «غرور» به معنی اموری که انسان را غافل می سازد و می فریبد (خواه مال و ثروت باشد یا جاه و مقام یا علم و دانش و غیر آن) تفسیر شده است. بعضی از ارباب لغت - به گفته «طریحی» در «مجمع البحرین» گفته اند: «غرور فریفتگی به چیزی است که ظاهری جالب، و دوست داشتنی دارد، ولی باطنش ناخوشایند و مجهول و تاریک است».

در کتاب «التحقیق فی کلمات قرآن الکریم» بعد از نقل کلمات ارباب لغت چنین آمده است: «ریشه اصلی این واژه به معنی حصول غفلت به سبب تاثیر چیز دیگری در انسان است و از لوازم و آثار آن جهل و فریب و نیرنگ و نقصان و شکست و... می باشد».

در «المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء» که از بهترین کتب اخلاق محسوب می شود و تکمیل و تهذیبی است برای «احیاء العلوم» «غزالی» چنین می خوانیم:

«غرور عبارت است از دلخوش بودن به چیزی که موافق هوای نفس و تمایل طبع انسانی است و ناشی از اشتباه انسان یا فریب شیطان است و هر کس گمان کند آدم خوبی است (و نقطه ضعفی ندارد) خواه از نظر مادی یا معنوی باشد و این اعتقاد از پندار باطلی سرچشمه بگیرد آدم مغروری است و غالب مردم خود را آدم خوبی می دانند در حالی که در اشتباهند بنابراین اکثر مردم مغرورند، هر چند شکل غرور آنها و درجه آن متفاوت

سوره الانفطار

است».

«الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ» (7) «خدایی که تو را آفرید آن‌گاه استوارت ساخت سپس (آفرینش تو را) معتدل گرداند».

ای انسان ناسپاس، چه چیز تو را در باره پروردگار بخشنده‌ات مغرور ساخت؟ ذات پروردگار با عظمت کسی است که تو را از نطفه خلق کرد، و به تو هیكل زیبا اعطا کرد، و نعمت حواس پنجگانه بخشید، که از برکت آن می‌شنوی، می‌بینی و درک می‌کنی. در این آیه مبارکه، خلقت و آفرینش انسان، ساختار درست، برابر و استوار آن، تعاد و توازی که در ساختار انسان بکار رفته، یاد آوری نموده است.

«فِي أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَبِّكَ» (8) «و آن‌گاه به هر شکلی که خواست تو را ترکیب کرد» پروردگار با عظمت تو را در صورت و ساختاری ترکیب کرد که از آراسته‌ترین و معتدل‌ترین ترکیبهاست.

قرآن عظیم الشان در مورد زیبایی ترکیب انسان و صورت آن می‌فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ التَّقْوِيمِ» (سوره تین آیه 4) (ما انسان را به نیکوترین صورت و سیرت آفریدیم).

- همچنان (در آیه غافر آیه 64) می‌فرماید: «... و صورکم فأحسن صورکم» (و شما را صورت بخشید و صورتهایتان را نیکو ساخت).

- در آیه 3 سوره تغابن می‌افزاید: «... و صورکم فأحسن صورکم و الیه المصیر» - «فتبارک الله أحسن الخالقین» (سوره مؤمنون آیه 14) (پاک و بزرگوار خدایی که نیکوترین آفرینندگان است).

حسن صورت عبارت است از تناسب تجهیزات آن نسبت به یکدیگر و تناسب مجموع آنها با آن غرضی که به خاطر آن غرض ایجاد شده، این است معنای حسن نه زیبایی منظر، چون حسن يك معنای عامی است که در تمامی موجودات جاری است.

ابن عباس می‌گوید: انسان در زیباترین صورت یعنی مستوی القامه و مستقیم آفریده شده است. نه مثل سایر حیوانات سرافکنده و افتاده بر صورت. (تفسیر المیزان) «أحسن التقویم» یعنی انسانها با کمال در نفوس و اعتدال در جوارح و اعضایشان آفریده شده‌اند و با سخن گفتن و تشخیص دادن و تدبیر امور کردن از دیگر موجودات جدا شده‌اند (سوره حجر/85)

«كَلَّا بَلْ تُكذِّبُونَ بِالذِّينِ» (9) «نه چنین نیست بلکه دین را تکذیب می‌کنید». بعد از اینکه پروردگار از بیان نشانه‌های قیامت و بعد از برشمردن نعمتهای خود بر انسان و انکار و ناسپاسی آنها از سوی وی، علت این انکار را که تکذیب روز قیامت است ذکر می‌کند می‌گوید:

کلا: کلمه‌ای است برای تنبیه و هشدار دادن به آن انسان‌ها است و گوشزد می‌کند و او نباید به کرم خداوند جل جلاله مغرور شده و نعمت و فضلش را وسیله‌ای به‌سوی کفر بگرداند.

«وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ» (10) (در حالیکه بی‌گمان نگهبانانی بر شما گمارده

سوره الانفطار

شده‌اند». یعنی تردید و تکذیب تو سودی نمی بخشد ، نه قیامت را به تاخیر می اندازد و نه از محاسبه محتوم و قطعی ات مانع می شود ، متوجه باش که نگهبانانی بر تو گماشته شده اند که همواره تورا با دقت تام تحت و نظارت و مراقبت قرار می مید هد .

« **كِرَامًا كَاتِبِينَ** » (11) « نویسندگان بزرگواری » . نه تنها اعمال انسان را یادداشت میکند ، بلکه انگیزه حرکات ها و نیت هدف و مقصد شما را گزارش میدهد .
« **يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ** » (12) (که هر چه می کنید می دانند) .

در اینجا پروردگار به آنده اشخاص ، که روز جزا روز قیامت وزنده شدن بعد را از مرگ ، را دروغ می شمارید و از آن انکار می کنید می فرماید : نباید فراموش کرد که : فرشتگان از جانب خداوند جلّ جلاله بر شما گماشته شده‌اند و طوریکه در فوق تذکر دادیم ، اعمال شما را می نویسند تا روز قیامت در برابر آنها مورد محاسبه قرار گیرید و آن فرشتگان هر چه را که انجام می دهید ، می دانند و می نویسند ، متوجه باشید که هیچ حرکت و هیچ نیت و قصد شما برای آنها پنهان نمی ماند .

در حدیث به روایت ابن عباس رضی الله عنهما آمده است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «إن الله ينهاكم عن التعري، فاستحيوا من ملائكة الله الذين معكم، الكرام الكاتبين، الذين لا يفارقونكم إلا عند ثلاث حالات: الغائط، والجنابة، والغسل، فإذا اغتسل أحدكم بالعرء فليستتر بثوبه أو بجرم حائط، أو ببعية» (خداوند جلّ جلاله شما را از برهنه شدن نهی می کند پس از فرشتگان خداوند جلّ جلاله که همراه شما هستند حیا کنید؛ از آن نویسندگان گرامی قدری که از شما جدا نمی شوند مگر در سه حالت: رفتن شما به قضای حاجت، حالت جنابت و حالت غسل و چون یکی از شما در فضایی باز غسل می کند، باید خود را با جامه خویش، یا به پناه دیواری، یا به شتری استتار کند» .

آیا پیامبران هم دارای کرام الكاتبین هستند؟

مطابق نصوص شرعی گفته می توانیم که ، تمام انسانها دارای دو ملائکی هستند که احوال و جریانات روزمره وی را ثبت می کنند ، این ملائکه یکی در سمت راست و دیگری هم در سمت چپ ، انسان قرار دارند . ملائک سمت راست مشغول نوشتن حسنات شخص بوده ، و در ضمن امیر ملائک سمت چپ را نیز بر عهده دارد ، وظیفه ملائکه سمت چپ ، نوشتن و ثبت سیئات شخص می باشد .

هرگاه شخص دچار گناهی شد ملائک سمت چپ می خواهد که آنرا ثبت نماید ولی ملائک سمت راست به وی میگوید صبر کن و به وی مهلت بده شاید توبه کند .

و هرگاه حسنه ای انجام داد ملائک سمت راست بدون وقفه فوراً آنرا ثبت می کند . الله تعالی می فرماید: « **عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشَّمَالِ قَعِيدٌ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ** » (سوره ق : 17 – 18) یعنی: آنگاه که دو (فرشته) دریافت کننده از راست و از چپ مراقب نشسته‌اند (انسان) هیچ سخنی را به لفظ در نمی آورد مگر اینکه مراقبی آماده نزد او (آن را ضبط می کند) .

اما در خصوص اینکه ، آیا پیامبران هم دارای کرام الكاتبین هستند؟ مراجعه میکنیم به حدیث که از « عن عبد الله هو ابن مسعود قال : قال رسول الله صلی الله علیه وسلم : ما

سوره الانفطار

منکم من أحد إلا وقد وكل به قرينه من الجن ، وقرينه من الملائكة . قالوا : وإياک یا رسول الله قال : وإیای ، ولكن الله أعانني عليه فلا يأمرني إلا بخير . (امام أحمد)
 یعنی: از عبدالله ابن مسعود رضی الله عنه روایت شده که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: هیچ یک از شما نیست مگر اینکه قرینه ای از جن و قرینه ای از ملائک موکل (اعمال وی است) گفتند: حتی شما ای رسول الله؟ فرمود حتی من، ولی خداوند مرا بر آن پیروز گردانیده و جز خیر مرا به چیزی امر نمی کند.
 بنابراین گفته می‌توانیم که تمامی انسانها از جمله پیامبران نیز دارای ملائک کاتب بر اعمالشان هستند.

فرشتگان نیت و قصد انسانها را هم می نویسند:

در حدیثی آمده است که فرشتگان حتی نیت و قصد ، و آنچه در قلب بنی آدم است، و آنرا در قلب می گوید، و آنچه نیت می کند که آنرا انجام دهد، آنرا نیز می نویسد .
 به همین خاطر است که اگر انسان نیت نیک نماید ثوابش به اومی رسد، و بر نیت بد نیز مجازات می شود، زیرا نیت عمل قلبی است .
 فرشتگان مأمورند ، از وقتی که یک انسان به سن بلوغ می رسد و تا لحظئیکه از دنیا رحلت می نماید ، آنچه در دنیا از نیت و کردار و گفتار انجام داده همه آنرا می نویسد.

منزلت و مکانت نماز صبح و نماز عصر در بین نمازهای دیگر:

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: « يتعاقبون عليكم ملائكة بالليل وملائكة بالنهار يجتمعون في صلاة العصر وفي صلاة الفجر .. » . (متفق علیه) . فرشتگانی پی در پی بر شما وارد می شوند، گروهی شب می آیند و گروهی روز می آیند ، و اینها صبح و عصر با هم يك جا جمع می شوند . باریتعالی می فرماید: « وقرآن الفجر » . یعنی نماز صبح .
 ومی فرماید: « إِنَّ قرآن الفجر كان مشهوداً » . (سوره الإسراء 78) . (حقا که نماز صبح مورد مشاهده فرشتگان شب و فرشتگان روز است) .
 فرشتگان شب و فرشتگان روز در آن حاضر می شوند، و به قرآنی که در نماز تلاوت می شود گوش میدهند، و در نماز عصر حاضر با هم جمع می شوند، خداوند در حالیکه حال انسانها را از فرشتگان بهتر می داند از آنها سؤال می کند: چگونه و در چه حالی بندگانم را ترك کردید؟ آنها می گویند: آنها را ترك کردیم در حالیکه نماز می خواندند، و به آنان وارد شدیم در حالی که نماز می خواندند . یعنی فرشتگان نازل شدند و ما در نماز عصر بودیم و با ما در نماز حاضر بودند، و بالا رفتند در حالیکه ما در نماز صبح بودیم، و به این خاطر نماز عصر، نماز وسطی یعنی میانه نامیده شده است که خداوند بر آن تشویق کرده می فرماید: « حافظوا على الصلوات والصلوة الوسطی » . (سوره البقره 238) .
 (محافظت کنید بر نمازهای فرض شبانه روزی، و بخصوص نماز میانه که نماز عصر است) . یعنی نماز عصر زیرا فرشتگان شب و فرشتگان روز در آن حاضر میشوند .
 همچنان بعضی از مفسرین گفته اند صلوه الوسطی عبارت است از نماز صبح بر این لحاظ که دو نماز از خود به قبل و دو نماز از خود به بعد دارد .
 « إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ » (13) (بی گمان که نیکو کاران در نعمت های برین باشند) .

سوره الانفطار

نیکو کاران ، و مؤمنان راستینی که کار نیک را انجام می‌دهند و در تمام کارهای خویش تقوی را مد نظر داشته و از خدای عزوجل پروا می‌کنند؛ «در نعمت‌اند» یعنی: در ناز و نعمت بهشتی قرار دارند. و بد کاران حتماً در انبار آتشین بسر خواهد برد ، در این هیچ جای شک نیست که روز محاسبه آمدنی است و هر یک پاداش اعمالش را می‌یابد و به جایگاه مناسب خود می‌رود.

«وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ» (14) (و بد کاران در انبار آتشین).

فجار: جمع فاجر است. یعنی کفاری که شریعت الهی را ترک کرده‌اند «در دوزخند» بنابراین، مراد از «فجار» کفارند و این خطاب، مرتکبان گناه کبیره را شامل نمی‌شود.

«يَصَلُّونَهَا يَوْمَ الدِّينِ» (15) (در روز جزا به آن درمی‌آیند).

پروردگار برای مکافات و مجازات کامل اعمال موعدی را مقرر کرده که آنرا یوم الدین نام گذاشته ، فجار و بد کاران در یوم الدین پس از محاسبه و محاکمه وارد جهنم می‌شوند . و در کام شعله‌های سرکش آن، سختی‌ها می‌چشند و عذابها می‌بینند.

«یوم الدین : به معنای جزا و حساب و طاعت است. شریعت و قانون را از آن جهت «دین» گفته اند که در آن طاعت و پاداش و جزاست.

آیات 4 سوره فاتحه‌الکتاب و 35 حجر و 82 شعراء و 20 صافات و 78 ص و 12 ذاریات و 56 واقعه و 26 معارج و 46 مدثر و 11 مطفین و 7 تین و 1 ماعون از روز قیامت به نام «یوم الدین» و از قیامت به «دین» یاد کرده اند. مگر نه این است که روشنترین برنامه و اصلترین هدف برپایی قیامت برنامه دین، یعنی جزا و پاداش و حساب الهی اعمال آدمی، است. آری، یوم الدین روزی است که پرده از روی اعمال و حقایق برداشته می‌شود و بعد از محاسبه دقیق اعمال به هر کس جزایی موافق عملش داده می‌شود. این حقیقت «یوم الدین» است

امام رازی نقل کرده است که: «سلیمان بن عبدالملک خلیفه اموی عازم مکه بود و در راه مکه از مدینه می‌گذشت پس در دیداری که با ابوحازم داشت، به وی گفت: فردای قیامت قرار گرفتن در پیشگاه خداوند جلّ جلاله چگونه است؟ ابوحازم گفت: اما نیکوکار؛ او همانند شخص سفر کرده‌ای است که از سفر نزد خانواده‌اش برمی‌گردد و اما بدکار پس او همچون برده گریز پای است که نزد مولای خویش آورده می‌شود. راوی می‌گوید: سلیمان گریست و سپس گفت: ای کاش می‌دانستم که خدای سبحان با ما چه می‌کند؟! ابوحازم گفت: این کار ساده‌ای است؛ عملت را بر کتاب خداوند جلّ جلاله عرضه بدار، آن وقت می‌دانی که او با تو چه خواهد کرد. سلیمان گفت: این توصیه تو در کجای کتاب خدا جلّ جلاله آمده است؟ ابوحازم گفت: إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ . سلیمان گفت: در این صورت، رحمت خداوند جلّ جلاله در کجاست؟ ابوحازم پاسخ داد: إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ : بی‌گمان رحمت خداوند جلّ جلاله به نیکوکاران نزدیک است» «اعراف/56».

«وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ» (16) (و هرگز غائب شونده از آن نباشند)

نه چنان بسوزند که به خاکستر تبدیل شوند و از درد سوختن برهند .

یعنی: دوزخیان فاجر کافر، هرگز برای ساعتی هم از دوزخ جدا نشده و از آن دور نمی‌

سوره الانفطار

شوند و عذاب آن بر آنان سبک نمی‌شود بلکه برای ابد در آن بهسر می‌برند. دوزخ به لحاظ شدت گرمی و نوع غذایی که خداوند برای اهل آن در نظر گرفته است، متفاوت است و عذاب و شدت حرارت آن یک نواخت نمی‌باشد. خداوند می‌فرماید: « إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا » (سوره النساء: 145) (بیگمان منافقان در اعماق دوزخ و در پائین‌ترین مکان آن هستند و هرگز یابوری برای آنان نخواهی یافت) (تا به فریادشان رسد و آنان را برهاند). واژه «الدرك» در لغت عرب به هر چیز رده پائین و «الدرج» به هر چیز رده بالا گفته می‌شود. بنابراین این برای بهشت درجه و درجات و برای دوزخ درک و درکات بکار می‌رود.

دوزخ به هر میزان که پائین‌تر باشد، حرارت و شعله‌هایش نیز به همان اندازه شدیدتر می‌شود. منافقان بهره بیشتری از آتش دوزخ دارند، بهمین خاطر در درک اسفل دوزخ خواهند بود.

گاهی به مراتب دوزخ «درجات» نیز اطلاق می‌گردد.

خداوند در سوره انعام بعد از ذکر اهل بهشت و دوزخ می‌فرماید: « وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِّمَّا عَمِلُوا » (سوره الأنعام: 132) (و هر یک (از نیکوکاران و بدکاران) دارای درجاتی و درکاتی از پاداش و عزت و پادافره و ذلت در جهان دیگر) بر طبق اعمال خود هستند). « أَفَمَنْ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ * هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ » (سوره آل عمران: 162 - 163) (آیا کسی که (با طاعت و عبادت) در پی خوشنودی خدا است، مانند کسی است که (با معصیت و نافرمانی) خشم خدا را نصیب خود می‌کند، و جایگاه او دوزخ خواهد بود؟! و دوزخ بدترین بازگشتگاه است). (هر یک از) آنان (چه دینداران و چه بی‌دینان) برای خود جاه و مقام، و جا و مکانی در پیشگاه خدا دارند (و برابر و یکسان نیستند) و خداوند می‌بیند آنچه را که انجام می‌دهند (لذا درجات و درکات هر یک را برابر کردار و رفتارشان تعیین می‌نماید و به هر کس آن دهد که سزاواراند).

عبدالرحمن بن زید بن مسلم می‌گوید: درجات جنت به سوی بلندی و درجات دوزخ به سوی بلندی و پستی می‌روند. (تخويف من النار لا بن رجب : صفحه 50). از برخی سلف نقل شده است که: موحدین گناهکار که وارد دوزخ می‌شوند در درک اعلی، یهود در درک دوم، نصاری در درک سوم، صابئین (بی‌دینان) در درک چهارم، مجوس در درک پنجم، مشرکین اعراب در درک ششم و منافقان در درک هفتم خواهند بود.

و در برخی کتاب‌ها نام آن درکات نیز وارد شده است:

درک اول: جهنم، درک دوم: لظی، درک سوم: حطمه، درک چهارم: سعیر، درک پنجم: سقر، درک ششم: جحیم و درک هفتم هاویه نام دارند.

ولی تقسیم مردم در دوزخ بر اساس تقسیم مذکور صحیح نیست. همانگونه که نامگذاری مراتب دوزخ به گونه‌ای که بیان گردید صحت ندارد. قول راجح و صحیح آن است که هم

سوره الانفطار

این اسماء مذکور مانند: جهنم، لظى، حطمه... نامی برای دوزخ هستند نه اینکه هر کدام نام بخشی از دوزخ باشد. البته این مطلب که مردم به لحاظ کفر و گناهان خود، مراتب متفاوتی خواهند داشت، صحت دارد.

«وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ» (17) (و تو چه می‌دانی که روز جزا چیست؟)». مهمترین شاخصه یوم الدین در این آیات اقتدار الهی است از اقتدار الهی و از ظهور و بروز سلطنت الهی به عنوان مهمترین شاخصه یوم الدین ذکر شده. و می‌فرماید: «ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ» (18) (باز تو چه می‌دانی که روز جزا چیست؟)». «يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ» (19) (روزی که هیچ کسی برای دیگران نمی‌تواند کاری بکند و در آن روز فرمان، فرمان الله است)». روز کیفر و پاداش، روزی است که هیچ کسی اختیار هیچ چیزی را برای دیگری ندارد. روز رستاخیز روزی است که کسی توان دفاع از کسی دیگری را ندارد و تنها در فکر نجات خویش است و بسان دنیا نیست که زورمندان و ظالمان قادر به تحقق اهداف شوم خویش باشند، و هر چه که بخواهند آنرا انجام و عملی نمایند.

«وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ» (و کارها آن روز، همه و همه تنها از آن خداست.) بلی، آن روز قضاوت در میان بندگان و پایان دادن به کشمکش‌ها، گرفتن حق مظلوم از ظالم، ارزانی داشتن پاداش به نیکان و عدالت خواهان و عفو و بخشایش گناهکاران، تنها از سوی خداست و بس. هیچ کس (هر که باشد) اختیار رساندن چیزی از منفعت را در روز قیامت برای کس دیگری ندارد و در آنجا جز خداوند جل جلاله پروردگار عالمیان، هیچ کس نیست که حکمی صادر کند یا کاری را انجام دهد. یعنی اقتدار بی حد و مرز الهی و ظهور و بروز قدرت کامله الهی در روز قیامت عیان می‌شود.

توضیح مختصر درباره روز قیامت:

قرآن عظیم الشان در تعریف و توضیح وضع زمین، آسمان و انسان در روز قیامت و اینکه روز رستاخیز دارای چه اوصاف است می‌فرماید: قرآن مجید روز قیامت را روز فرار مسمی نموده است، روزیکه انسان از پدر، مادر، برادر، خواهر، همسر، فرزندان و اقوام خود می‌گریزد و هر کس به کار خود مشغول است و در واقع روز محشر، روز قطع پیوندها و خویشاوندی است. قرآن عظیم الشان می‌فرماید که در روز حشر تنها، در زنده شدن دوباره انسانها خلاصه نمی‌شود، بلکه همراه آن مجموعه ای از حوادثی مهمی رخ می‌دهد که برخی از این رویدادها و حوادث عبارتند از:

وضع زمین و دریاها و کوه‌ها:

بر اساس آیات سوره های مبارکه «تکویر، زلزال، دخان و واقعه، در روز قیامت»، لرزشی سخت زمین را فرا می‌گیرد. آنچه بر زمین پدیدار گشته، فرو می‌پاشد. سطح زمین آشکار و نمایان می‌گردد. زمین شکافته می‌شود و مردگان از آن بیرون می‌آیند تا در قیامت محشر گردند. دریاها از هم شکافته، جوشان و برافروخته می‌شوند. کوه‌ها از جا کنده می‌شوند و به

سوره الانفطار

صورت غیر متعادل به حرکت در می آیند و به مثل تلی از خاک در می آیند و مانند پشم زده می شوند و نرم و انعطاف پذیر می گردند، و سرانجام مانند ذرات غبار پراکنده می شوند. از سلسله کوه های سر به فلک، جز سرابی چیز دیگری باقی نمی ماند.

وضع آسمان و ستارگان:

سوره های «تکویر، انفطار، طور و الرحمن» درباره وضع آسمان و ستارگان اشاره دارند که وضع آسمان دگرگون می شود و ستارگان از جای کنده می شوند، آسمان دچار نوعی تموج و حرکت پاره پاره و شکافته می شود و مانند گل سرخ و روغن و فلز مذاب روان نمایان می گردد و سرانجام به شکل دود درآمده، در هم پیچیده می شود. نور، آفتاب و ماه به خاموشی می گرآید. نظم آنها به هم می خورد و به سوی زمین پرتاب می گردند.

نفخ صور:

در آیات و روایات اسلامی آمده است که: یکی از نشانه های قیامت «نفخ صور» است و آن دو نفخ دمیدن است که یکی نفخ مرگ است و پیش از قیامت عمومی رخ می دهد، یعنی پیش از برپایی قیامت صدای مهیبی به گوش همه موجودات خواهد رسید که موجب مرگ همه آنها می شود و به واسطه آن نظام عالم به هم می خورد. دیگری نفخ حیات است که قیامت برپا می شود و صحنه جهان با نور خدا روشن می گردد و همه انسانها و حتی حیوانات در يك لحظه زنده می شوند. قرآن مجید در سوره زمر آیه 68 درباره نفع صور می فرماید؛ و در صور دیده می شود، پس همه کسانی که در آسمان ها و زمین هستند می میرند مگر آنان که خدا بخواهد. سپس بار دیگر در صور دمیده می شود، ناگهان همگی به پا می خیزند و در انتظار حساب و جزا می مانند.

اوصاف رستاخیز:

قرآن، نام ها و اوصاف مختلفی برای قیامت بر شمرده است که هر يك به حقیقتی اشاره دارند. برخی از آنها عبارتند از:

- واقع شدنی و تردید ناپذیر است:

قرآن عظیم الشان در آیه 2 سوره واقعه و آیه 7 سوره حج قیامت را امری می داند که در وقوعش هیچ شك و تردیدی نیست.

- نزدیک بودن:

قرآن عظیم الشان در آیه 7 سوره معارج قیامت را نزدیک می شمارد. و در برخی از تعبیر از آن با کلمه «فردا» یاد می کند از جمله (آیه 18 سوره مبارکه حشر).

- حق بودن قیامت:

قرآن در آیه 39 سوره نباء قیامت را روز حق می داند، روزی است که در آن حق مطلق، ظهور می کند و جایی برای باطل نیست و هر کسی به حق خود می رسد.

- خبر بزرگ:

قرآن عظیم الشان در آیه 67 سوره ص، آیه 15 سوره یونس و (آیه 3 سوره هود) از قیامت با عنوان «خبر بزرگ» یاد می کند و نیز با تعبیر «روز عظیم»، زیرا رویدادهای عظیمی در آن رخ می دهند و همچنین با تعبیر «روز کبیر».

سوره الانفطار

- روز فریاد:

صحنه روز محشر را «روز فریاد» و یوم «التناد» گویند. این نام، بدان جهت است که دوزخیان بهشتیان را صدا می زنند. (سوره اعراف آیه 50)

- پیرکننده:

قیامت روزی است کودکان و نوجوانان در آن پیر می شوند. دلیل آن شاید طولانی بودن و یا سخت بودن حوادث آن روز است. (مراجعه به آیه 17 سوره مزمل)

- آشکار شدن رازها:

در قیامت، همه رازها و اعمال انسان آشکار می گردند و مومنان و بدکاران با چهره خود باز شناخته می شوند و نامه اعمال انسان گشوده می گردد، نامه ای که همه اعمال در آن ثبت است و هر کس هر عمل خوب و بدی را که انجام داده می بیند. (سوره طارق آیه 9 و سوره تکویر آیه 10)

وجوب ایمان به فرشتگان:

از جمله اصول پنجگانه اسلامی یکی هم ایمان بر فرشتگان است فرشتگان آنها هستند که خداوند نام آنان را بر ایمان ذکر فرموده است، مانند جبریل و میکائیل و اسرافیل و مالک نگهبان جهنم: «ونادوا یا مالک لیقض علینا ربک» (سوره الزخرف 77). (آن دوزخیان مالک نگهبان جهنم را ندا کرده و می گویند: ای مالک از پروردگارت بخواه تا ما را مرگ دهد، بمیریم و راحت شویم). بر مسلمانان است که بر این فرشتگان ایمان داشته باشند، چه آنانیکه نام شان ذکر شده و چه آنانیکه نام شان ذکر نشده است، و به اعمال و کرداری که آنان به فرمان خدا آن اعمال را انجام می دهند. و فرشتگانی هستند در آسمان که مشغول عبادت و رکوع و سجود پروردگار اند، و هیچ جائی از آسمان نیست مگر اینکه فرشته ای از فرشتگان در حال رکوع و سجود خداست.

و فرشتگانی هستند که جز خداوند کس دیگری از آنها خبر ندارد، و ما بطور اجمالی ایمان می اوریم به آن فرشتگان که نام آنها ذکر نشده، و بطور تفصیلی ایمان می اوریم، به آن فرشتگانی که نامشان ذکر شده، و آنان را دوست داریم. و آنها بیشترین کسانی هستند که بنی آدم را به نیکی و خیر نصیحت می کنند، و به نیکی فرمان می دهند، و برای آنان استغفار می کنند، چنانکه خداوند عز وجل می فرماید: «الذین یحملون العرش ومن حوله یسبحون بحمد ربهم ویؤمنون به ویستغفرون للذین آمنوا». (سوره غافر 7).

نشانه و تأثیر ایمان به فرشتگان در زندگی انسان:

ایمان به فرشتگان نقش و تأثیر مهمی در زندگی روز مره انسان دارد، زیرا اگر انسان حس کند که تحت تعقیب و مراقبت است، در زندگی خویش احتیاط میکند، و اگر دانست که فرشتگانی مأمور بر او هستند و شب و روز از او نگهداری و مراقبت می کنند، در اینحال احتیاطی بیشتر بخرج می دهند. طوریکه در امور دنیاوی نیز چنین است. انسان زمانیکه احساس تعقیب را می کند، با احتیاط قدم بر میدارد. بناً در امر مراقبت فرشتگان نیز باید چنین احتیاط را مراعت کنیم.

سوره الانفطار

مراقبین و جواسیس دنیاوی را حداقل انسانها میتوانند ببینند، و یا هم خود را از دید و نظر آنها میتوان پنهان کرد، ولی فرار و یا هم ستر و مخفی کردن از مراقبت فرشتگانی آسمانی کاری است دشواری. انسان نمیتوان از دید و مراقبت آنان فرار کند. فرشتگان آسمانی انسان را در همه جا تعقیب می نمایند و همیشه همراه انسان می باشد. خداوند عز و جل به آنان این قدرت را داده تا هر جائیکه خداوند به آنها فرمان دهد خود را برسند، به همین خاطر خداوند می فرماید: «وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لِحَافِظِينَ كَرَامًا كَاتِبِينَ يَعْلَمُونَ مَا تَعْمَلُونَ» (سوره الانفطار 10 - 12). خداوند اینرا فرموده تا ما مواظب خود باشیم. و این ثمره ایمان به فرشتگان است که انسان مواظب گفتار و کردار بد خود بود، تا اینکه بر او چیزی نوشته نشود، وگرنه روز قیامت مجازات خواهد شد.

عمل فرشتگان به عمل شیطان چه تفاوتی دارد؟

1 - فرشتگان تسبیح و تنزیه و سپاس خداوند را میگویند، و برای کسانی که در زمین هستند استغفار می کنند، و آنها بهترین پند دهندگان و ناصحترین مخلوقات خدا به بنی آدم هستند، و شیاطین از خائن ترین مخلوقات خدا به بنی آدم می باشند، زیرا شیاطین عهد و پیمان بسته اند که تا آنجائیکه بتوانند بنی آدم را گمراه کرده فریب دهند و او را به هلاکت برسانند.

2 - فرشتگان به نیکی و خوبی امر می کنند.

و شیاطین به فساد و بدی امر می کنند، چنانکه خداوند می فرماید: «وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ» (سوره الزخرف 36). (و هر کسیکه خود را به کوری، و از قرآن که یاد خدای مهربان و رحمت خدا برای جهانیان است روی بگرداند، برای او شیطانی برانگیزیم تا همیشه با او همراه و همنشین باشد).

پس کسانی که از قرآن اعراض کرده و به آن پشت کنند خداوند سبحانه و تعالی آنان را عذاب میدهد به اینکه شیطانی بر او مسلط و چیره کرده تا همیشه همراه او باشد. و همچنین می فرماید: «وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ حَتَّى إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بَعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبئسَ الْقَرِينُ» (سوره الزخرف 37 - 38). (و بتحقیق آن شیطانها همیشه آن مردم را از خدا غافل کرده به گمراهی می کشانند، و ایشان گمان می کنند که براه راست رسیده اند، تا وقتیکه از دنیا بسوی ما باز آید آنگاه با نهایت حسرت گوید: ای کاش میان من و تو فاصلهء میان مشرق و مغرب بود که او بسیار همنشین و یار بدی برای من بود. و چیزی انسان را از شیطان دور نمی کند، بجز ذکر و یاد خدایتعالی).

3 - اینکه ذکر خداوند شیطان را از او می راند، و فرشتگان نزد او حاضر می شوند.

و به همین خاطر شیطان را: الوسواس الخناس نامیده اند. و هرگاه انسان ذکر خداوند را ترک کرد شیطان بسوی او می آید و هرگاه ذکر خدا کند فرشتگان دور او جمع میشوند، چنانکه در حدیث آمده: «ما اجتمع قوم فی بیت من بیوت الله یتلون کتاب الله ویتدارسونه بینهم إلا نزلت علیهم السکینه و غشیتهم الرحمة و حفثهم الملائكة و ذکرهم الله فیمن عنده» (مسلم). هرگاه گروهی از مردم در خانه ای از خانه

سوره الانفطار

های خدا (یعنی در یکی از مساجد) کرد آیند تا کتاب خدا قرآن را بخوانند و درسهای آنرا بهم بفهمانند آرامش بر دل‌های ایشان فرود آید، و مهر و رحمت خدا ایشان را فرا گیرد، و فرشتگان ایشانرا در بر گیرند، و خداوند ایشان را میان کسانیکه نزد اوست یاد کند .

شوخی با ملائکه:

طوریکه گفته آمدیم: ایمان به ملائکه و تکریم و تقدیر آنها جزو ارکان ایمان است، بناءً شوخی و تمسخر در باره ملائکه در فهم شرعی جواز نداشته و هر کسیکه به چنین عمل دست زند عمل کفری اجرا میکند. و کافر میگردند.

تعداد کثیری از علماء و مفسرین با استناد از آیات قرآنی و احادیث نبوی شوخی و استهزاء به ملائکه یا یکی از آنان را کفر محسوب میدارند . و معتقد اند کسانیکه دست به چنین عملی می زنند ، میگویند این عمل موجب خروج شخص از اسلام و موجب ارتداد یک انسان میگردد : این عده از علماء به آیات (65 و 66 سوره توبه) استدلال نموده می فرمایند : « وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ نَسْتَهْزِئُونَ * لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِنَّ نَعْفَ عَنْ طَائِفَةٍ مِنْكُمْ يُعَذِّبُ طَائِفَةٌ بَأْسُهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ » (یعنی : « و اگر از آنها بپرسی (چرا این اعمال خلاف را انجام دادید؟!) ، میگویند : «ما بازی و شوخی می کردیم!» بگو : « آیا خدا و آیات او و پیامبرش را مسخره می کردید؟! » (بگو :) عذر خواهی نکنید (که بیهوده است؛ چرا که) شما پس از ایمان آوردن، کافر شدید! اگر گروهی از شما را (بخاطر توبه) مورد عفو قرار دهیم، گروه دیگری را عذاب خواهیم کرد؛ زیرا مجرم بودند» .

عالم جلیل القدر اسلام امام ابن حزم می فرماید : «از طریق نص شرعی ثابت است که هرکس خداوند متعال یا یکی از ملائکه یا یکی از انبیاء علیهم السلام یا آیه ای از قرآن و یا فریضه ای از فرائض دینی را به استهزاء و مسخرگی بگیرد، چنانکه حجت بر او تمام شده باشد او دیگر کافر است، چرا که اینها همه آیات الهی هستند» « الفصل فی الملل و الأهواء و النحل » (142/3) .

و باز فرمودند : «هرکسی خدا را دشنام دهد یا مورد استهزاء و تمسخر قرار دهد، و یا ملائکه ای را دشنام دهد یا مورد استهزاء و تمسخر قرار دهد، یا پیامبری را دشنام دهد یا مورد استهزاء قرار دهد، یا آیه ای از آیات خداوند را دشنام دهد یا مورد استهزاء قرار دهد، او با این عملش کافر و مرتد گشته و حکم مرتد دارد، و شرائع الهی و قرآن همه از آیات الهی هستند» « المحلی » (413/11) .

و ابن نجیم حنفی می گوید : «با ایراد گرفتن از یکی از ملائکه یا سبک شمردن آن کافر می گردد» « البحر الرائق » (131/5) .

حتی بعضی از علماء متذکر شدند که انسان با هرگونه سخنی که احساس استهزاء و مسخرگی از آن رود کافر می شود، چنانچه ابن نجیم گفته : «اگر کسی به دیگری بگوید : دید من به تو مثل دید ملک الموت است، بعضی (از اهل علم) بر خلاف اکثریت گفتند : کافر می شود» .

سوره الانفطار

جاهائیکه فرشتگان به آنجا می روند:

- فرشتگانی هستند که جهانگردند و در جستجوی حلقه های ذکر و درس هستند، و اگر حلقه ای از علم و دانش را دیدند به همدیگر می گویند: بیائید که نیاز خود را پیدا کردیم . و حلقه های ذکر بسیار است و از آنجمله عبارتند از:
- 1 - تلاوت قرآن، پس هرکس قرآن را تلاوت کند ذکر خدا را بجا آورده است .
 - 2 - و کسیکه نماز می خواند ذکر خدا را بجا آورده است .
 - 3 - و کسیکه تسبیح و تهلیل و تکبیر و استغفار و سپاس خدا کند ذکر خدا را بجا آورده است .
 - 4 - کسیکه کتابهای علمی را مطالعه میکند و برای علم و دانش حلقه می زند تا علم و دانش بیاموزد ذکر خدا بجا آورده و فرشتگان پیرامون و اطراف وی جمع می شوند .

جاهائیکه شیاطین به آنجا می روند:

- 1 - کسانیکه وقت خود را بیهوده صرف می کنند مانند: مجالس موسیقی و ترانه و تئاتر (صحنه نمایش)، شیاطین پیرامون آنها جمع می شود و فرشتگان از آنها فاصله می گیرند.
- 2 - کسیکه عکس جاندار در خانه آویزان کند فرشتگان به خانه اش داخل نمی شوند چنانکه در حدیث آمده: « إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَا تَدْخُلُ بَيْتًا فِيهِ كَلْبٌ وَلَا صُورَةٌ » . (متفق علیه) . فرشتگان به خانه ای که در آن سگ و عکس باشد داخل نمی شوند ، پس فرشتگان رحمت به خانه هائیکه در آن عکس وجود دارد داخل نمی شوند .

سابقه دشمنی شیطان با بشر:

مطابق حکم قرآنی شیطان با انسان سابقه طولانی داشته ، طوریکه قرآن عظیم الشان در این مورد میفرماید : «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ» (سوره فاطر آیه 6) پروردگار با عظمت به انسان میفرماید : شما نیز او را دشمن بگیرید؛ جز این نیست که او دار و دسته‌ی خود را فرامی‌خواند تا از اصحاب دوزخ باشند.

گفتیم سابقه دشمنی شیطان با انسان طولانی بود. همین شیطان بود که با وسواس مدبرانه خویش ادا و حوا را فریب داد و آنان را از جنت بیرون کشید . «كَمَا أَخْرَجَكَ أَبُويَكَ» (سوره اعراف، 27) .

باید برای تمام انسانها اعلان کرد ، که شیطان چنان دشمن خطرناک و محیلی است که به چشم دیده نمی‌شود مگر او شما را می بیند . «أَنَّهُ يَرِيكُمْ هُوَ وَ قَبِيلَهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ» (سوره اعراف، 27). در روایات اسلامی با تمام صراحت گفته شده است که شیطان دشمن قسم خورده است. «فَبِعِزَّتِكَ...» (صفحه، 82). از هر سو حمله می‌کند. «مَنْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ...» (سوره اعراف، 17). وسیله‌ی او برای انحراف مردم، وعده‌ی فقر و امر به فحشا است. «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَ يَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ» (سوره بقره، 268) او جز با دوزخی کردن مردم راضی نمی‌شود. «يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ» صدق الله العظيم و صدق رسوله نبی الکریم.

سوره الانفطار

فهرست :

- معلومات مؤجز
- اسباب نزول
- وجه تسمیه
- فضیلت سوره الانفطار
- ترجمه مختصر
- آشنایی با سوره
- تفسیر سوره
- فرشتگان نیت و قصد انسانها را هم می نویسند
- توضیح مختصر درباره روز قیامت
- وضع زمین و دریاها و کوه ها
- وضع آسمان و ستارگان
- نفخ صور
- اوصاف رستاخیز
- وجوب ایمان به فرشتگان
- نشانه و تأثیر ایمان به فرشتگان در زندگی انسان
- عمل فرشتگان به عمل شیطان چه تفاوتی دارد !
- شوخی با ملائکه
- جاهائیکه فرشتگان به آنجا می روند
- جاهائیکه شیاطین به آنجا می روند
- سابقه دشمنی شیطان با بشر

منابع و مأخذ های عمده:

- تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم (تالیف شیخ حسنین محمد مخلوف و اسباب نزول علامه جلال الدین سیوطی ترجمه از عبد الکریم ارشد فاریابی
- تفسیر انوار القرآن - نوشته: عبدالرؤف مخلص هروی
- فیض الباری شرح صحیح البخاری داکتر عبد الرحیم فیروز هروی
- تفسیر طبری - امام المفسرین
- تفسیر المیزان
- تفسیر پرتوی از قرآن
- تفسیر القرآن الکریم - ابن کثیر (متوفی سال 774 هـ)
- امام سیوطی کتاب « اسباب النزول »
- مفردات الفاظ القرآن، از راغب اصفانی
- جلوه های از اسرار قرآن مهندس حکمتیار
- تفسیر معارف القرآن مولف حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی مترجم مولانا محمد یوسف حسین پور

سوره الانفطار

- تفسير في ظلال القرآن / سيد قطب (متوفى سال 1387 هـ)
- تفسير نور تآليف دكتور مصطفى خرم دل
- تفسير كابلې (تآليف: شيخ محمود الحسن ديوبندي مترجم: هيآتي از علمای افغانستان)
- صحيح مسلم
- صحيح البخاري

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**